

پنهان کاران خلافکاران اند



کامبیز نوروزی

حقوق دان

معمولا در عرف عام پنهان کاری نشانه بی صداقتی و خلافتکاری است. آدم درستکار چیزی را پنهان نمی‌کند. شجاعانه و صادقانه آنچه را که هست می‌گوید، مسئولیتش را می‌پذیرد و بر آن استوار می‌ماند. در حکمرانی هم همین قاعده حاکم است. جز آنچه مربوط به امنیت ملی یا اخلاق عمومی است، چیزی از مردم پنهان نمی‌ماند و گردش آزاد اطلاعات رعایت می‌شود. اما این قاعده که از حقوق اساسی ملت است، رعایت نمی‌شود. بدیهی است نتیجه این همه پنهان کاری می‌شود کاهش اعتبار صاحبان قدرت نزد مردم، افزایش بی‌اعتمادی عمومی و کاهش اطمینان به گفتار و رفتار حکمرانی. در هفته گذشته دو خبر یا دو رویداد مهم از دو جنس متفاوت رخ داد که موجب پرسش‌های بی‌پاسخ فراوان مردم شد ولی کسی پاسخی به آن نمی‌دهد. یکی از این وقایع حضور پررنگ بابک زنجانی در عرصه قراردادهای اقتصادی و رسانه‌هاست. پرونده این فرد همیشه یک معمای بزرگ بود و هیچ‌گاه جزئیات آن معلوم نشد. او که گفته شد برای دوزدن تحریم‌های ایران اقدام می‌کرده، در سال ۱۳۹۳ دستگیر و در دادگاه به اعدام محکوم شد. حکم در ۱۳ آذر ۹۵ در دیوان عالی تأیید و در ۱۳ بهمن ۹۵ ابلاغ شد اما اجرا نشد. در ۲۷ تیر ۱۴۰۲ مجددا حکم اعدام به او ابلاغ شد ولی باز هم از اجرای حکم خبری نشد تا آنکه در اردیبهشت ۱۴۰۳ با عفو و تخفیف، مجازات او به ۲۰ سال حبس کاهش یافت. تقریبا هیچ چیز از کارنامه او معلوم نیست که کیست؟ از کجا آمده است؟ چگونه توانست سرمایه‌ای عظیم و بی‌حساب به هم برزند؟ با کدام نهادها چقدر و چگونه همکاری داشته است؟ چه چیزی موجب دستگیری و محاکمه و محکومیت او به اعدام شد؟ چرا اعدام نشد؟ چرا حکم او به ۲۰ سال حبس کاهش یافت که بعد از ۱۰ سال هم بتواند آزاد شود؟

جز پاره‌ای اخبار ناقص و متناقض و برخی گمانه‌زنی‌های غیرمستند چیزی از او نمی‌دانیم و آنها که باید خبرها را بگویند، آنها را کتمان و پنهان می‌کنند. واقعه دیگر فاجعه‌ای دردناک بود که به کشته‌شدن ده‌ها نفر و مجروح شدن صدها انسان بی‌گناه و اتلاف صدها و بلکه هزاران میلیارد تومان اموال دولت و مردم انجامید. فاجعه انفجار و آتش‌سوزی در بندر شهید رجایی از انفجار یک کانتینر شروع شد و با انفجار چند کانتینر دیگر ابعادی گسترده یافت و خسارات جانی و مالی عظیمی به بار آورد. نیروهای امدادی بحران را مهار کردند. وعده کرده‌اند گزارشی از این حادثه بدهند. اما یک چیز از همین حالا هم معلوم است که از نظر حقوقی و مدیریتی مهم‌ترین چیزی است که وجود دارد و تشخیص آن نیازمند هیچ تحقیق خاصی نیست. انفجار از یک کانتینر شروع شد. گفته شده است بار این کانتینر مواد خطرناک بوده است. این کانتینر بنا بر گزارش‌ها در محل مربوط به شرکت خدمات بندری سینا مستقر بوده که شرکتی است متعلق به بنیاد مستضعفان. اولین و سادترین پرسش این است که محموله این کانتینر چه بوده و مالک آن کیست؟ پاسخ این سؤال همین الان هم معلوم است اما کسی نمی‌گوید. اگر محموله از مواد خطرناک بوده، که ظاهرا چنین است، چرا کانتینر در قسمت مخصوص این نوع مواد گذاشته نشده است؟ آیا به اداره بندر اظهار خلاف شده و نگفته‌اند بار محموله مواد خطرناک است. یا اینکه گفته‌اند و اداره بندر توجهی به آن نکرده است؟ پاسخ این سؤال هم معلوم است اما نمی‌گویند. از نظر مدیریتی یا به تعبیر درست‌تر سوءمدیریت مسئله این است که این چه مدیریتی است که در آن کالای خطرناک وارد می‌شود، اعلام نمی‌شود یا اعلام خلاف می‌شود یا اعلام می‌شود و برای نگهداری آن به راحتی از مقررات مربوطه تخلف می‌شود؟ در سه فرض پادشده مسئولیت جبران همه خسارات جانی و مالی اعم از دیه فوت، دیه جرح و نقص عضو، سایر خسارات جانی، هر نوع خسارت مالی که به اموال بندر یا اشخاص خصوصی وارد شده، یا مستقلا بر عهده شرکت سینا یا مستقلا برعهده دولت یا متضامنا بر عهده شرکت سینا و دولت است. این قسمت مستلزم صدور رأی دادگاه است. اما تاکنون نگفته‌اند که محموله کانتینر چه بوده؟ مالک آن چه کسی بوده؟ چرا در محل عادی بندر، نه محل مخصوص مواد خطرناک، نگهداری شده و اگر محموله خطرناک نبوده، عامل این انفجارها چه بوده است؟ دولت اگر به حق آزادی اطلاعات وفادار است و حقوق اساسی ملت را به رسمیت می‌شناسد، موظف است ملت را از حقایق آگاه کند. بدون گردش آزاد اطلاعات و ادامه اصرار بر پنهان‌کاری هیچ امیدی به مبارزه با فساد نخواهد بود و خلافکاران پنهان‌کار با نقض مستمر قانون به کار خود ادامه خواهند داد.

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۶
۱۴ می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۰۹
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: میزگرد «شرق» درباره چالش‌های نبود متخصصان سلامت روان در حوزه آسیب‌های اجتماعی و کودکان • غرب‌آبادی: تداوم تنش در مسیر دیپلماسی؛ تأکید ایران بر خطوط قرمز راهبردی

ادامه فشارهای واشنگتن و تأکید تهران بر حقوق هسته‌ای

تقاطع منافع در غنی‌سازی

گزارش تئوریک را

در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحات ۴، ۵ و ۶ بخوانید.عکس Gettyimages

یادداشت

مخاطرات شوک‌درمانی



زهرا کریمی

عضویت علمی‌بازنشته‌دانشگاه‌مازندران

سرمایه‌گذاری در لهستان نقش مهمی در این موفقیت بر عهده داشت. فرایند مذاکره برای عضویت لهستان در اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۴ آغاز شد و بر مبنای این مذاکرات اصلاحات نهادی، بهبود حکمرانی، افزایش شفافیت و کاهش فساد در اولویت دولت قرار گرفت. ورود سرمایه‌های خارجی به لهستان پس از گسترش روابط با اتحادیه اروپا تثبیت اقتصادی لهستان در نیمه دهه ۱۹۹۰ را تسهیل و تسریع کرد. در سال ۲۰۰۴ عضویت لهستان در اتحادیه اروپا پذیرفته شد و این کشور بیش از گذشته از حمایت‌های مالی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برخوردار شد. استونی نیز شرایطی کمابیش مشابه لهستان را تجربه کرد. در سال ۱۹۹۳ تورم این کشور به ۹۰ درصد رسید و فقر و نابرابری تشدید شد. ولی با حمایت‌های اتحادیه اروپا و در نهایت عضویت در این اتحادیه در سال ۲۰۰۴ استونی توانست به رشد اقتصادی قابل توجهی دست یابد.

تجربه ناموفق شوک‌درمانی (روسیه و قزاقستان)

پس از فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر سال ۱۹۹۱، این کشور به ۱۵ جمهوری مستقل تقسیم شد. به دلیل ازمیان‌رفتن ارتباطات اقتصادی، بخش بزرگی از صنایع این کشورها تعطیل شدند و با آزادسازی قیمت‌ها، تورم رکودی شدیدی بر این کشورها حاکم شد. روسیه در سال ۱۹۹۲ به ابرتورم دوهزار و ۵۰۰ درصدی گرفتار شد.

یادداشت

توافق هسته‌ای؛از دلگرمی تاچالش‌ها

چه در انتظار ایران و آمریکااست؟



محمدرضایوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

دوچندان کند. موضع درست این است که سعی شود متناسب با وضعیت گروه‌های سه‌گانه داخلی با هر کدام مواجه شد. از سویی نادرستی مبنای نگاه ایدئولوژیک را تبیین کرده و از سوی دیگر با نگاهی به آموزه‌های نورث، منافع کاسیان تحریم را در جهت رانت مولد سوق داد و از سوی دیگر به برخی گروه‌های منتقد که تصور می‌کنند در هر شرایطی باید سخنی در نقد گفته شود، توجه داد که توافق ایران و آمریکا پس از خصومت چند دهه که کشور از آن بسیار آسیب دیده است، آسان‌ست و همه باید کمک کنیم تا این مسیر به خوبی طی شود و سپس برای چگونگی بهبود شرایط کشور اندیشه و تلاش کنیم.

گفت‌وگو با علیرضا داوودنژاد

درباره شرایط حال حاضر سینمای ایران

سینمای هنری

فعلا زیرزمینی

۷

برگزیده‌ها

فوتبال ایران در مسیر زشت و ناپسند عادی سازی شکست قرار گرفته است

از «بایدبازی»

تا «بریم ببازیم»

۹

گزارش میدانی «شرق» از مردمی که منتظر مسئولان نمازندند و به سمت بندرعباس و محل انفجار رفتند

مردم زودتر رسیدند

۸

شب موسیقی «حسین علیزاده» به بهانه انتشار اثرش

آرزوهای برآورده‌نشده

طاقت بعضی‌ها را سر می‌برد

۱۲

دیدار با پرویز بیران و داریوش رحمانیان در غرفه «کتاب شرق»

از خاطرات خوش گذشته

تا هوش مصنوعی

۱۱

واکنش سازمان بیمه سلامت

به گزارش «شرق»

۸

نگاه

انتظار ایران از مذاکرات

بادداشتی از فرخ نگهدار

۱۱

یادداشت

ضرورت ایجاد «یادمان ملی» برای فاجعه بندر شهید رجایی



منصور ساعی

پژوهشگر ارتباطات بحران

حوالی ظهر شنبه، ۶ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در یکی از پایانه‌های کانتینتری بندر شهید رجایی بندرعباس، انفجار بزرگی رخ داد که طبق اعلام رسمی، این حادثه ۵۷ کشته و بیش از هزار نفر زخمی و میلیاردها دلار خسارت مادی بر جای گذاشت. مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌ها فقط پاسخ و واکنش درست، در زمان درست به بحران‌ها و فاجعه‌های ملی در هنگام وقوع آنها نیست، بلکه جبران خسارت‌های مادی و همدلسی و انجام حمایت‌های مادی و روان‌شناختی بی‌دریغ از خانواده‌های قربانیان و کمک به بازگشت آنها به زندگی عادی، بازسازی اعتماد اجتماعی و جلوگیری از تکرار فجایع مشابه است. علاوه‌براین ساختن پادمان‌ها و مکان‌های یادبود یکی از اقدامات مهم در حوزه ارتباطات بحران راهبردی است که سازمان‌ها یا جوامع پس از وقوع یک بحران یا فاجعه انجام می‌دهند تا به قربانیان احترام بگذارند، خاطره آنها را زنده نگه دارند یا از رویداد عبرت بگیرند. این پادمان‌ها می‌توانند شامل مراسم یادبود یا بزرگداشت، نصب مجسمه یا پلاک یادبود، اختصاص مکانی خاص برای تجمع یا ادای احترام .ایجاد یک وب‌سایت برای ثبت خاطره قربانیان و خانواده‌های آنان، ایجاد صفحات در رسانه‌های اجتماعی برای همدردی عمومی (مثل صفحات یادبود در شبکه‌های اجتماعی) است. هدف از این اقدامات، بازسازی اعتماد عمومی، التیام عاطفی ذی‌نفعان، و نشان‌دادن مسئولیت‌پذیری سازمان است. یک نمونه برجسته از پادمان سازمانی پس از بحران، اقدام شرکت بریتیش پترولیوم یا بی‌پی پس از فاجعه نشت نفت در خلیج مکزیک در سال ۲۰۱۰ است.

ادامه‌در صفحه ۵